

ارائه مدلی برای دستیابی به هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان در نظام آموزشی ایران

بهمن شریفی^۱، کیومرث نیاز آذری^{۲*}، نگین جبّاری^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۱ صص ۱۳۵-۱۵۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۷

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدلی برای دستیابی به هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان در نظام آموزشی ایران است. رویکرد پژوهش آمیخته و با طرح اکتشافی بود. در بخش کیفی از روش نظریه برخاسته از داده و در بخش کمی از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد. روش نمونه گیری در بخش کیفی هدفمند و در بخش کمی تصادفی طبقه ای بود. نمونه آماری در بخش کیفی با در نظر گرفتن قانون اشباع نظری، تعداد ۱۷ نفر و در بخش کمی، بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۴۲ نفر بود. ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته با ۳۹ سؤال بود. در بخش کیفی برای دستیابی به روایی از چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان و برای تعیین پایایی از راهبرد تایید همکاران پژوهشی استفاده شد. در بخش کمی به منظور بررسی روایی از نظرات خبرگان استفاده شد، نتیجه آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه بود. روش تحلیل داده ها در بخش کیفی، تحلیل محتوایی استقرایی با بهره گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و انتخابی بود. در بخش کمی از نرم افزار SPSS برای تحلیل عاملی اکتشافی و از نرم افزار LISREL برای تحلیل عاملی تأییدی، معادله های ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که ابعاد مدل کارآمد هدایت تحصیلی دانش آموزان به ترتیب استعدادیابی، عوامل قانونی، خط مشی های کارآمدی، ساختاری و مدیریتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش مداری و خانوادگی- اجتماعی هستند. در تحلیل عاملی اکتشافی، همه ابعاد و مولفه ها دارای بار عاملی بالای ۰/۵۱ بودند، لذا تاثیر همه ابعاد و مولفه ها بر کارآمدی هدایت تحصیلی دانش آموزان تایید شد. براساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی، مدل نهایی پژوهش با شاخص های برازش و ضرایب استاندارد تایید شد. مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین ۰/۰۳۷ به دست آمد که نشان دهنده برازش مناسب مدل است.

کلید واژه ها: هدایت تحصیلی، دانش آموزان، نظام آموزشی، رویکرد آمیخته

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران

^۲ دکترای مدیریت آموزشی و استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران

^۳ دکترای مدیریت آموزشی و استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران

مقدمه

مهم ترین وظیفه نظام آموزشی در هر کشور، ایجاد زمینه مناسب برای رشد همه جانبه دانش آموزان بوده و دستیابی به این مهم، مستلزم برنامه ریزی ها و فعالیت های گوناگونی است. یکی از مهم ترین برنامه های هر نظام آموزشی برنامه هدایت تحصیلی دانش آموزان است که شامل فعالیت هایی برای یاری رساندن به دانش آموزان در فرایند تحصیل است. هم چنین از طریق راهنمایی و هدایت تحصیلی است که دستیابی به اهداف نظام آموزشی، تسهیل و تسریع می شود.

هدایت تحصیلی فرآیند ارائه خدمات راهنمایی به دانش آموزان است تا با آگاهی از استعدادها، علایق، توانمندی ها و ویژگی های شخصیتی خویش، رشته های تحصیلی و مشاغل مورد نیاز جامعه را شناخته و بر اساس آن، به صورت آگاهانه رشته تحصیلی مناسب خود را انتخاب کنند. در یک تعریف جامع، هدایت تحصیلی فرآیندی است که طی آن با ارایه خدمات راهنمایی و مشاوره به دانش آموز کمک می کند تا استعداد ها، توانایی ها، علایق و ویژگی های شخصیتی خویش، شاخه ها و رشته های تحصیلی، حرف و مشاغل مورد نیاز جامعه را شناخته و بر اساس آن اقدام به انتخاب اولویت شاخه، گروه و رشته تحصیلی مناسب کند. بر این اساس هدف برنامه هدایت تحصیلی، راهنمایی دانش آموزان به مناسب ترین شاخه یا رشته تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه و امکانات و نیاز های کشور است.

تحصیل اگر متناسب با استعداد و علاقه نباشد، فرد برای ورود به بازار کار، انگیزه و کارایی لازم را نخواهد داشت. برنامه هدایت تحصیلی در انتخاب مناسب ترین راه تحصیلی بر اساس علائق، استعدادها و توانایی ها به دانش آموزان یاری رسانده و در برنامه ریزی و آمادگی برای زندگی آینده آن ها، نقش ویژه ای ایفا می کند. انتخاب رشته تحصیلی که در قالب برنامه هدایت تحصیلی صورت می پذیرد، مسیر انتخاب رشته دانشگاهی دانش آموز را هموار کرده و در ادامه، وی را به سوی مشاغلی که مرتبط با رشته تحصیلی دانشگاهی اوست هدایت می کند. لذا از مهم ترین وظایف برنامه هدایت تحصیلی این است که دانش آموزان را به مناسب ترین شاخه یا رشته ی تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه آنان و به تناسب امکانات و نیاز های کشور هدایت کند.

برنامه هدایت تحصیلی، با شناسایی دانش آموزان در تمام ابعاد وجودی شان، عامل تسهیل و تسریع کننده در دستیابی به اهداف آموزش و پرورش است. با هدایت تحصیلی مناسب است که، فرد با شناسایی توانایی ها، رغبت ها و محدودیت های خود برای دستیابی به زندگی سالم، تصمیم های منطقی و بر اساس حقایق موجود اتخاذ خواهد کرد. به همین منظور،

استعداد و علاقه دانش آموزان، نیازهای جامعه و امکانات موجود از عوامل مهم نظام هدایت تحصیلی هستند.

برنامه هدایت تحصیلی به دنبال این است که با شناسایی استعداد، توانایی ها، علاقه و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان در انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی و مسیر شغلی به آن ها کمک کند.

به طور کلی برنامه های هدایت تحصیلی برای دستیابی به دو هدف اجرا می شوند:

۱. دانش آموزان براساس ویژگی های شخصی (استعداد، توانش، علاقه و دانش) به مسیرهای تحصیلی هدایت شوند، به طوری که رشته تحصیلی هر فرد برارنده شخصیت وی باشد.

۲. دانش آموزان بر مبنای نیازهای جامعه به رشته های تحصیلی هدایت شوند، چنانکه تربیت شدگان رشته های گوناگون، از لحاظ کمی و کیفی، بتوانند نیازهای جامعه به نیروی انسانی را برطرف سازند (Navidi, 2018).

ایجاد تعادل و تناسب میان استعدادها و علائق دانش آموزان از یک سو و امکانات و نیازهای کشور از سوی دیگر، در برنامه هدایت تحصیلی بسیار اهمیت دارد. امروزه ما شاهد هستیم که، دانش آموزان به دلیل ناآگاهی از توانایی ها، پتانسیل ها، علایق خود و ویژگی ها و آینده رشته تحصیلی و تنها بر اساس تحمیل و فشار خانواده یا از روی چشم و هم چشمی انتخاب رشته می کنند (Nazari et al, 2010). کارکرد برنامه هدایت تحصیلی، راهنمایی دانش آموزان به سمت رشته های تحصیلی متناسب با علائق آن ها، بر اساس استعدادها و توانمندی هایشان و نیازهای جامعه و بازار کار است و به همین دلیل، از لحاظ آموزشی، اجتماعی و اقتصادی بر روی دانش آموزان، خانواده ها، بازار کار و جامعه تاثیرگذار است. برنامه های هدایت تحصیلی و شغلی به افراد کمک می کند تا دانش، مهارت ها و تجربه لازم را برای شناسایی گزینه ها، یافتن راه حل ها و موفقیت در جامعه به دست بیاورند. راهنمایی آموزشی مناسب و صحیح، علاوه بر هدایت دانش آموزان در مسیرهای مثبت تحصیل، به آنان اجازه می دهد تا دیدگاه های حرفه ای برای توسعه پروژه های زندگی پایدار داشته باشند (Carvalho et al, 2014).

برنامه هدایت تحصیلی اثربخش و کارآمد، باید توانایی آماده سازی دانش آموزان برای تغییرات سریع و پیچیده در قرن بیست و یکم، را داشته باشد. به همین منظور، آموزش تغییرات بازار کار، زمینه سازی برای گسترش دانش، مهارت و توانایی ها، بهبود مهارت های تصمیم گیری، افزایش عزت نفس و انگیزه، بهبود فرصت های کاری و اشتغال موثر از جمله وظایف نظام هدایت تحصیلی برای دستیابی به کارآمدی است. امروزه تقاضا در بازار کار به

سرعت تغییر کرده و به سوی مشاغلی با مهارت های چندگانه متمایل گشته است. با علم بر این مطلب که تحصیل، زمینه ساز اشتغال است، در صورتی که رشته تحصیلی انتخابی فرد، منطبق با نوع هوش و استعداد وی باشد، موفقیت بیشتری حاصل خواهد شد. رشته تحصیلی که متناسب با توانمندی فرد نباشد، سبب ایجاد چالش هایی در فرآیند تحصیل، اشتغال و زندگی می شود. در نظام های آموزشی پیشرفته علائق، توانایی ها و استعداد های فرد و نیازهای شغلی جامعه و بازار کار، تعیین کننده رشته تحصیلی و شغل آینده افراد است. همچنین نظام هدایت تحصیلی باید به ارزش های ملی و مهبینی، هنجارهای اجتماعی، رشد و توسعه ملی، استقلال کشور و دست یابی به انسجام فرهنگی توجه ویژه ای داشته باشد. راهنمایی آموزشی و هدایت تحصیلی در مدرسه واقعیتی اجباری برای دستیابی به دانش آموزانی با ارزش های اخلاقی است که از طریق بهبود تحصیلی و آموزشی، منجر به توسعه کشور خواهد شد (Subasinghe, 2016).

در حال حاضر، فقدان مدلی جامع از هدایت تحصیلی دانش آموزان که بتواند تمامی عوامل موثر بر هدایت تحصیلی و شغلی افراد را شناسایی کند، موجب بروز مشکلات و تنگناهایی در نظام آموزشی شده است که به صورت نارضایتی از رشته ی تحصیلی، ترک تحصیل، تغییر رشته تحصیلی، نارضایتی خانواده ها، انبوه متقاضی یک رشته خاص و صندلی خالی در رشته های دیگر، عدم تناسب میان رشته های انتخاب شده با نیازهای جامعه، بیکاری تحصیل کرده ها و کاهش بهره وری شغلی این افراد، خود را نمایان می کند، و پیامد اجتماعی آن چیزی بجز ایجاد مانع در راه سعادت فردی و توسعه ی ملی کشور نیست. مهم ترین دلیل این ناکارآمدی عدم وجود برنامه ای منسجم و کارآمد در زمینه ی شناسایی استعدادهای دانش آموزان است. لذا نظام هدایت تحصیلی یکی از نامزدهای اصلاح و تغییرات در قرن بیست و یکم می باشد (Johnson et al, 2010).

در عصر حاضر نظام های آموزشی همواره در معرض اصلاحات و بازنگری قرار دارند. عمده ترین دلایل این اصلاحات همسو کردن نظام آموزشی با تحولات و تغییرات فناوری، بازار کار، اقتصادی و اجتماعی است. به همین منظور، نیاز به اصلاحات در شیوه های کنونی و استفاده از راه حل های نوآورانه و پایدار در ارتباط با روند آموزش، تحصیل و کار احساس می شود (Hughes et al, 2017).

از ابتدای اجرای برنامه هدایت تحصیلی در نظام آموزشی ایران تاکنون، همواره شاهد بروز مشکلاتی در این زمینه بوده ایم و بر همین اساس اقداماتی در جهت بازبینی و اصلاح فرآیندهای برنامه هدایت تحصیلی و متوازن سازی توزیع بین رشته های تحصیلی، انجام پذیرفته است. با این وجود براساس مشاهدات عینی از نظام هدایت تحصیلی و بازخوردهای

موجود از طرف خانواده ها، دانش آموزان و بازارکار، می توان استنباط کرد که هیچ کدام از اهداف مورد نظر محقق نشده و برنامه هدایت تحصیلی همچنان نیازمند بازنگری و اصلاحاتی جدید جهت دستیابی به کارآمدی لازم است. بر این اساس، نظام آموزشی ایران نیازمند برنامه ای جامع برای هدایت تحصیلی دانش آموزان است؛ برنامه ای که کاربست آن شناسایی و پرورش استعدادها، دانش آموزان و ایجاد زمینه و ساز و کارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان به عنوان سرمایه های انسانی، تقویت و درونی کردن احساس مسوولیت برای ایفای نقش سازنده در آینده و حمایت از تمامی دانش آموزان به منظور بهره مندی از توانمندی ها و قابلیت های گوناگون آن ها در راستای سرآمدی و توسعه ی کشور است. لذا در این پژوهش، ما در صدد پاسخ به این سوال هستیم که، مدل مناسب برای هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان کدام است؟

پیشینه پژوهش

در مورد هدایت تحصیلی دانش آموزان، پژوهش هایی انجام شده که به آن پرداخته می شود: نویدی (Navidi, 2018) در پژوهشی تحت عنوان "هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب علمی و چالش های پایدار" با روش سنتز پژوهی^۱، ۵۰ گزارش پژوهشی ناظر بر برنامه های هدایت تحصیلی و ادبیات و تحلیل های انعکاس یافته در رسانه های عمومی را با نگاهی کاستی جویانه، مورد تحلیل قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد "ایجاد بستر مناسب، تصریح نیازها و امکانات جامعه، ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه ای مشاوران، تلاش مداوم و اهتمام جدی برای شناخت و راهنمایی دانش آموزان از آغاز تحصیلات تا مرحله کسب صلاحیت خود رهبری و استمرار در انجام دادن پژوهش و ارزشیابی اقدام ها و برنامه ها" عوامل یاری رسان به بهگشت برنامه هدایت تحصیلی هستند. گارسیا پرز و هیدالگو (Garcia-Perez & Hidalgo, 2017) در پژوهشی تحت عنوان "دانش آموزی جا نمانده؟ شواهدی از برنامه ی هدایت مدرسه در اسپانیا" به بررسی اثرات برنامه اصلاح راهنمایی تحصیلی که در بین سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ در مدارس اسپانیا انجام شده بود، پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که حاصل اجرای اصلاحات در برنامه ی هدایت تحصیلی، تأثیر قابل توجهی بر پیشرفت تحصیلی کودکان داشته است. نتایج پژوهش

¹ Synthesis Research

نشان داد که تاثیر این برنامه بر روی دانش آموزان مدارس روستایی بسیار بیشتر از دانش آموزان مدارس شهری است.

هیوز؛ لاو و میجرز (Hughes et al, 2017) در پژوهشی که با عنوان "مدرسه جدید به جای مدرسه قدیمی: راهنمایی شغلی و مشاوره در آموزش" انجام داده اند، بیان می کنند که آموزش و پرورش به جای بیان نظریه ها برای هدایت تحصیلی و شغلی باید از موقعیت های واقعی برای دانش آموزان جهت انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی استفاده کرده و زمینه ای را مهیا سازد تا دانش آموزان با معنای تجربیات واقعی زندگی در نتیجه گفتگو با دیگران آشنا شده و براساس آن مسیر تحصیلی و شغلی خود را انتخاب نمایند. لذا نیاز به اصلاحاتی در شیوه های کنونی و استفاده از راه حل های نوآورانه و پایدار در ارتباط با روند آموزش، تحصیل و کار احساس می شود. امروزه سرمایه گذاران و سهامداران به دنبال آموزش و کار حرفه ای هستند و منافع اجتماعی در این راه برای دانش آموزان، والدین و معلمان قابل دستیابی است.

سوباسینگه (Subasinghe, 2016) در پژوهشی با عنوان "مقدمه ای بر راهنمایی آموزشی و مشاوره مدرسه" به نقش مشاوران در هدایت دانش آموزان بسوی یک زندگی شاد و سالم پرداخته و عنوان می کند، دانش آموزان بعنوان یک مشتری برای دریافت مشاوره و راهنمایی تحصیلی به مشاوران و معلمان مراجعه می کنند. هر دانش آموز بعنوان مشتری دارای خصوصیات و توانایی ها و استعداد های ویژه و خاص خود می باشد، و بر اساس این معیارها شناسایی می شوند. درک و حل مشکلات دانش آموزان، راهنمایی های آموزشی و مشاوره در مدرسه واقعیتهای اجباری برای دستیابی به دانش آموزانی با ارزش های اخلاقی از طریق بهبود کارآمدی آموزشی می باشد که منجر به توسعه ی کشور خواهد شد.

تو-وی و بیچ-لون (Thuy Van & Bich Loan, 2016) در پژوهش خود با عنوان "راهنمایی شغلی در مدارس متوسطه - مرور ادبیات و راه حل های راهبردی برای مناطق روستایی ویتنام" با بررسی نقش راهنمایی و مشاوره حرفه ای در مدارس سراسر جهان سعی کردند جهت توسعه اقتصادی- اجتماعی در مناطق روستایی ویتنام جهت حرکت از حوزه ی کشاورزی به حوزه ی صنعتی، راه حل های مناسبی با افزایش کیفیت آموزش و بهبود فرصت های شغلی بر پایه ی علاقه، توانایی و اشتیاق دانش آموزان ارائه دهند. آن ها با بیان این نکته که در ویتنام هدایت تحصیلی حرفه ای در مقایسه با کشورهای دیگر مورد توجه کافی قرار نگرفته، عنوان می کنند هدایت شغلی اهداف مورد نظر را به دست نیاورده است درحالی که در کشورهای پیشرو، برنامه راهنمایی حرفه ای دارای کارکنان با کیفیت بالا، آموزش دیده و دارای تجربیات غنی است، اما در ویتنام، به دلیل این که یک کشور در حال توسعه در

آسیای جنوب شرقی است، کیفیت ضعیف می باشد. آنها برای رفع این ضعف ها، و براساس نتایج به دست آمده از پژوهش خود عنوان می کنند که راهنمایی شغلی در مدارس باید به صورت بلند مدت و با هدف کمک به دانش آموزان برای انعکاس آرزوها، منافع، شایستگی ها و توانایی های آن ها باشد، تا به آن ها در درک سیستم های بازار کار و آموزش و پرورش کمک کرده و با نیازهایشان در زندگی مرتبط سازند و به شهروندان جهانی و مسئول تبدیل شوند تا بتوانند به زندگی خوبی دسترسی پیدا کرده و همچنین توسعه پایدار کشور را رقم بزنند.

میهایلا و کریستینا (Mihaela & Cristina, 2015) در پژوهشی با عنوان "تحقیقی در مورد راهنمایی آموزشی و هدایت شغلی در رومانی" که به بررسی خدمات مشاوره و راهنمایی شغلی در دو ناحیه ی توسعه یافته در کشور رومانی پرداخته اند، با تاکید بر این نکته که خدمات مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی در کشور رومانی هنوز توسعه نیافته است، به این نتیجه دست یافتند که هدایت تحصیلی صحیح برای توسعه کشور و دستیابی به اهداف سیاست های ملی بسیار اهمیت دارد. آنها پیشنهاد می کنند برنامه های مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی بصورت اجباری در مدارس اجرا شود تا از مزایای آن بهره برداری شود.

دمیر و جان (Demir & Can, 2015) در پژوهشی تحت عنوان "راهنمایی و هدایت فهم معلمان مشاور و نگرش آن ها در مورد راهنمایی و هدایت" که در کشور ترکیه صورت پذیرفته به بررسی روابط بین درک مفهوم هدایت توسط معلمان مشاور که مسوولیت هدایت و راهنمایی دانش آموزان را در کلاس بر عهده دارند، و نگرش آن ها در مورد مشاوره و راهنمایی از لحاظ متغیرهای مختلف، پرداختند. این پژوهشگران با مطالعه بر روی ۵۹۵ مشاور و معلم راهنما شاغل در مدارس ابتدایی و متوسطه شهر اسکی شهر^۱ به نتایجی دست یافتند که نشان می داد سطح درک و سطح معلومات مشاوران و معلمان راهنما و سطوح نگرش آنان در سطح متوسطی است همچنین مشاوران خانم درک بهتر و بیشتری از مشاوره و راهنمایی و نگرشی بهتر نسبت به مشاوره و راهنمایی نسبت به معلمان مرد داشتند.

کریشان، پاول و گیملالات (Crisan et al, 2015) در پژوهش خود با عنوان "ارزیابی نیاز به راهنمایی شغلی دانشجویان" برای ارزیابی نیازهای برنامه های راهنمایی شغلی و برنامه های مشاوره شغلی، یک نظرسنجی بر روی ۱۳۰ نفر از دانشجویان کالج علوم سیاسی، اداری و ارتباطات دانشگاه بابس بولیای^۲ انجام دادند. داده های جمع آوری شده به صورت کیفی و

¹ Eskisehir city

² Babes-Bolyai University

کمی بود. در این نظرسنجی مشخص شد دانشجویان در مورد فرصت های شغلی آگاهی ضعیفی دارند و انتظاراتشان از آینده با دانش و توانایی های خود ارتباطی ندارد، آن ها یک طرح حرفه ای منسجم نداشتند.

تورن اوغلو و گنج تانریم (Torunoglu & Genctanirim, 2015) در پژوهشی که با عنوان "ادراک مشاوران مدرسه در مورد برنامه های مشاوره و راهنمایی هنرستان ها" به ارزیابی برنامه های مشاوره ای و راهنمایی در مدارس پرداختند. آن ها براساس نتایج به دست آمده از پژوهش، بیان می کنند که فعالیت های هدایت تحصیلی باید دانش آموزان را تشویق کند تا عملکرد خود را در تمامی حوزه ها بهبود بخشند و با آگاهی از فرصت های تحصیلی و شغلی بر اساس اهداف، ارزش ها، توانایی ها و منافع خود به اهداف خود برسند.

کاروالو و همکاران (Carvalho et al, 2014) در پژوهشی با عنوان "بازخورد معلم: هدایت آموزشی در زمینه های مختلف مدرسه" به بررسی درک دانش آموزان در مورد بازخورد معلمان به عنوان یک روش هدایت آموزشی برای توسعه مهارت های آموزشی و مهارت های زندگی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان بازخورد معلمان را به عنوان راهنمایی آموزشی عملی بازبینی می کنند و بازخورد معلمان می تواند در طراحی پروژه زندگی فراگیران در قرن ۲۱ کمک کند. آن ها بیان می کنند آموزش چگونگی راهنمایی آموزشی آموزگاران و معلمان برای ایجاد تعهد در دانش آموزان و جلوگیری از خطرات ناشی از ترک تحصیل در مدرسه بسیار مهم بوده و برای بسیاری از دانش آموزان، مدرسه می تواند یک فرصت منحصر به فرد برای ایجاد یک هویت حرفه ای باش، در نتیجه، راهنمایی آموزشی مناسب و صحیح، علاوه بر هدایت دانش آموزان در مسیرهای مثبت تحصیل، به آنان اجازه می دهد تا دیدگاه های حرفه ای برای توسعه پروژه های زندگی پایدار داشته باشند.

گرگات (Ghergut, 2014) در پژوهشی با عنوان "جنبه های مرتبط با هدایت تحصیلی و حرفه ای دانش آموز با اختلال هوشمندانه" که با هدف بررسی تأثیر والدین و نوع مدرسه بر منافع تحصیلی و شغلی دانش آموزان دارای معلولیت که تلاش می کنند تا نقش تعیین کننده ای را در آینده ایفا نمایند؛ به این نتیجه رسیدند که در فرآیند راهنمایی تحصیلی و حرفه ای دانش آموزان با نیازهای ویژه، معلمان و والدین باید در مورد توانایی های یادگیری، سطح دانش، مهارت ها و منافع هر دانش آموز به سطحی از شناخت دست یابند تا بدین ترتیب قادر به کمک به آن ها در هدایت تحصیلی و شغلی باشند. همچنین باید از عوامل مزاحم مانند استرس والدین باید اجتناب شود و تمرکز باید به ویژه بر روی آنچه دانش آموزان می خواهند و آنچه که آن ها می توانند با استفاده از وسایل خود به دست آورند باشد.

جانسون؛ روچیند و آوت (Johnson et al, 2010) در پژوهشی با عنوان "موضوع ویژه / چرا مشاوره راهنمایی نیاز به تغییر دارد" که با هدف بررسی نقش مشاوران و راهنمایی کارآمد توسط آنها بر اساس مولفه های تاثیرگذار بر هدایت تحصیلی انجام شد به نتایجی دست یافتند که نشان می داد مشاوران براساس مولفه های کم ارزش و تک بعدی مانند نمرات اقدام به هدایت تحصیلی و شغلی دانش آموزان می کنند، پس بر این اساس نظام هدایت تحصیلی یکی از نامزدهای اصلاح و تغییرات در قرن ۲۱ است.

سوال اصلی

مدل مناسب برای هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان کدام است؟

سوالات فرعی

– ابعاد و مولفه های هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان کدامند؟

– درجه تناسب مدل ارائه شده چگونه است؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر آمیخته^۱ و با طرح اکتشافی^۲ دو مرحله ای است. پژوهش های آمیخته، از ترکیب روش های تحقیق کمی^۳ و کیفی^۴ انجام می شوند (Johnson & Onwuegbuzie, 2004). با ترکیب روش تحقیق کمی و کیفی در پژوهش می توان به درک بهتری از پدیده مورد نظر دست یافت (Bryman, 2007). هدف اصلی طرح اکتشافی دو مرحله ای این است که نتایج حاصل از روش کیفی به ایجاد یا شکل دهی روش کمی کمک کند (Razavi et al, 2013, p152).

در این پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته اقدام به جمع آوری داده های کیفی شد و سپس بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده های کیفی با تدوین پرسشنامه محقق ساخته، نسبت به جمع آوری داده های کمی اقدام گردید. داده های کیفی که در آغاز این نوع پژوهش گردآوری می شوند به ما کمک می کنند تا پدیده مورد مطالعه را کشف و شناسایی کنیم و سپس با گردآوری داده

¹ Mixed Method

² Explanatory Design

³ Quantitative Method

⁴ Qualitative Method

های کمی رابطه بین اجزای این پدیده را تبیین کنیم (Razavi et al, 2013, p152). در بخش کیفی پژوهش از روش نظریه برخاسته از داده^۱ استفاده گردید. وقتی برای تبیین یک فرایند به یک نظریه نیاز داریم از نظریه برخاسته از داده استفاده می کنیم (Bazargan, 2015, p93). در روش نظریه برخاسته از داده ها پژوهشگر بر اساس تحلیل یک مجموعه از داده ها جهت و سمت و سوی تحلیل دسته بعدی داده ها را می یابد (Charmaz, 2000). در بخش کیفی این پژوهش جهت جمع آوری داده ها از روش نمونه گیری گلوله برفی^۲ که از روش های نمونه گیری هدفمند^۳ است، استفاده شد. این روش برای شناسایی افراد متخصص در یک زمینه خاص استفاده می شود (Razavi et al, 2013, p223). روش های نمونه گیری هدفمند که نمونه گیری غیراحتمالی یا نمونه گیری کیفی نیز نام گذاری می شوند، به معنای انتخاب هدفدار آزمون شوندگان برای کسب داده ها و اطلاعات است (Holloway & Wheeler, 2010). مشارکت کنندگان در بخش کیفی پژوهش، ۱۷ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، کارشناسان حوزه هدایت تحصیلی و مشاوران تحصیلی در استان گلستان بودند. داده های پژوهش به شیوه مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته و از روش مقایسه مداوم اشتراس و کوربین^۴ جمع آوری شدند. مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ الی ۱۰۰ دقیقه بود و زمانی که داده ها در مصاحبه روند تکراری پیدا کردند، فرایند جمع آوری داده ها پایان یافت. مرحله اشباع داده ها^۵ از مصاحبه سیزدهم به بعد احساس شد، ولی برای اطمینان بیشتر از اشباع داده ها تا شرکت کننده هفدهم مصاحبه ها ادامه یافت. در مصاحبه هفدهم اطمینان حاصل شد که داده ها تکراری بوده و انجام مصاحبه ها در این مرحله متوقف شد. سوالات به صورت ساده و شفاف بیان می شد و در صورت لزوم با گنجاندن توضیحاتی، منظور و هدف پژوهشگر از طرح این سوال به اطلاع مصاحبه شوندگان می رسید تا از تداخل با سایر موضوعات مشابه که مورد نظر پژوهشگر نبود، جلوگیری شود.

در بخش کیفی برای دستیابی به روایی^۶ از چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان و برای تعیین پایایی^۱، از راهبرد تایید همکاران پژوهشی استفاده شد. همراه با جمع آوری داده های

¹ Grounded Theory

² Snowball Sampling

³ Purposeful Sampling

⁴ Stratus & Corbin

⁵ Theoretical Saturation

⁶ Validity

کیفی از طریق مصاحبه های انفرادی، بر رعایت جنبه های اخلاقی پژوهش از جمله کسب رضایت افراد مصاحبه شونده، اجتناب از هرگونه سوء اثر بر شرکت کنندگان، ناشناخته ماندن نام و نشان افراد و اصل محرمانه بودن داده ها و اطلاعات توجه شد. روش تحلیل داده ها در بخش کیفی، تحلیل محتوای استقرایی با بهره گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و انتخابی بود.

ابزار جمع آوری داده ها در بخش کمی پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که براساس نتایج تحلیل داده های بخش کیفی در قالب ۳۹ پرسش تهیه و تدوین شد. در ادامه، به منظور بررسی روایی پرسشنامه محقق ساخته، از نظرات خبرگان و صاحب نظران در امر هدایت تحصیلی دانش آموزان استفاده شد که بر اساس نتایج حاصل، شاخص روایی محتوایی^۲ ۰/۸۷ به دست آمد که نشان دهنده روایی مناسب پرسشنامه است. برای بررسی پایایی پرسشنامه محقق ساخته از آزمون آلفای کرونباخ^۳ استفاده شد که نتیجه اجرای آزمایشی پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از جامعه آماری مقدار ۰/۹۶ به دست آمد که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه است. روش استفاده شده و نتایج حاصل برای تعیین روایی و پایایی بخش های کیفی و کمی پژوهش در جدول ۱ آمده است.

مشارکت کنندگان در بخش کمی پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و براساس فرمول کوکران انتخاب شدند، که شامل ۲۴۲ نفر از مشاوران، معاونین آموزشی و مدیران مدارس شهرهای گرگان و آق قلا بودند. برای تحلیل داده های جمع آوری شده در بخش کمی از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و LISREL استفاده شد. از نرم افزار SPSS برای تحلیل عاملی اکتشافی و از نرم افزار LISREL برای تحلیل عاملی تأییدی، معادله های ساختاری، تحلیل مسیر و برازش مدل بهره گرفته شد.

جدول ۱. روایی و پایایی در بخش کیفی و کمی پژوهش

بخش کیفی پژوهش	بخش کمی پژوهش	روش	روایی
چک کردن داده ها به وسیله مشارکت کنندگان	نظرات خبرگان (CVI=۰/۸۷)	روش	قابلیت
روایی مناسب	روایی بالا	نتیجه	اعتبار

¹ Reliability

² Content Validity Index (CVI)

³ Cronbach's Alpha Test

پایایی (قابلیت اطمینان)	روش	راهبرد تایید همکاران پژوهشی	آزمون آلفای کرونباخ (۰/۹۶)
	نتیجه	پایایی مناسب	پایایی بالا

یافته های پژوهش

سوال ۱. ابعاد و مولفه های هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان کدامند؟

جهت بررسی و پاسخ به این سوال، ابتدا در بخش کیفی، پس از جمع آوری، تنظیم و سازماندهی داده های حاصل از انجام هر مصاحبه و براساس روش مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین، در خصوص استخراج کلمات و نکته های کلیدی در قالب شاخص، از متن مصاحبه اقدام گردید. پس از انجام ۱۷ مصاحبه تعداد ۷۱۴ شاخص استخراج، برچسب گذاری و دسته بندی شد. سپس نسبت به تحلیل داده های کیفی جمع آوری شده، از طریق کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ اقدام گردید. در این مرحله با تحلیل شاخص های استخراج شده، ۱۹۰ کد باز به دست آمد که در ۳۸ کد محوری و در قالب ۱۶ کد انتخابی^۴ احساس نیاز، یاری فرهنگی، آینده نگری تحصیلی و شغلی، حقیقت مداری نظام آموزشی، جامعه اعتماد مدار، فناوری های نوین، روابط بهینه، فراشناخت، دانش مداری، چتر شناختی، سبک یاددهی و یادگیری، برون سپاری، هم آوایی، کاربرد هوش مصنوعی، متناسب سازی بسترزمانی و توسعه میهنی^۵ طبقه بندی شد.

سپس، براساس نتایج حاصل از تحلیل داده های کیفی، نسبت به تهیه و تدوین پرسش نامه محقق ساخته هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان، به عنوان ابزار گردآوری داده ها، در بخش کمی پژوهش، اقدام گردید. پس از بررسی روایی، پرسش نامه نهایی با ۳۹ سوال برای کشف مولفه ها و محاسبه بارهای عاملی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی^۴ مورد تحلیل قرار گرفت. از روش تحلیل عاملی جهت پی بردن به متغیرهای زیر بنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه ای از داده ها استفاده می شود. داده های اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی

¹ Open Coding

² Axial Coding

³ Selected Coding

⁴ Exploratory factor analysis (EFA)

بین متغیرها است. در این مرحله از پژوهش چون ما هیچ حدسی از ساختار روابط میان گویه ها نداشتیم، لذا از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردیم.

به همین منظور ابتدا، برای تشخیص کفایت و شرایط لازم داده ها برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی، از آزمون های تناسب کایزر-مایر-الکین^۱ و بارتلت^۲ استفاده شد. مقدار آماره KMO در این پژوهش، که بعنوان شاخص کفایت متغیرها شناخته می شود، ۰/۸۴۷ بوده و با توجه به این که مقدار مناسب برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۷ است، لذا داده ها کفایت و شرایط لازم را دارا بودند. همچنین نتیجه آزمون بارتلت هم که برای تشخیص مناسبت داده ها مورد استفاده قرار می گیرد، مورد تأیید قرار گرفت. لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای اندازه گیری ۵ درصد، داده ها همبسته بوده و کفایت و همبستگی لازم جهت اجرای تحلیل عاملی اکتشافی را دارا بودند. نتایج آزمون KMO و Bartlett در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون KMO و Bartlett

نتیجه آزمون	مقدار	آزمون	کفایت نمونه گیری
تأیید	۰/۸۷۴	KMO	
تأیید	۳۱۸۰/۶۸۲	کای اسکوئر	
تأیید	۷۴۱	درجه آزادی	مناسبت داده ها
تأیید	۰/۰۰۰	Sig.	

در ادامه با انجام تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱، مولفه ها در قالب ۷ بُعد^۳ "عوامل خانوادگی و اجتماعی، عوامل قانونی، دانش مداری نیروی انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، استعدادیابی دانش آموزان، خط مشی های کارآمدی و عوامل ساختاری و مدیریتی" برای مدل هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان شناسایی و دسته بندی شدند. بارهای عاملی سوال های پرسش نامه محقق ساخته، حاصل از اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در جدول شماره ۳ و همچنین ابعاد و مولفه های شناسایی شده برای مدل هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان در نمودار ۱ آمده است.

جدول شماره ۳. نتایج اجرای تحلیل عاملی اکتشافی بر روی پرسش نامه محقق ساخته

¹ Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)

² Bartlett's Test

³ Dimension

بار	شماره	بعد	بار	شماره	بعد	بار	شماره	بعد
عاملی	سوال		عاملی	سوال		عاملی	سوال	
۰/۶۴۹	۱۶	فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۸۶۳	۷	عوامل قانونی	۰/۵۲۵	۱	عوامل خانوادگی و اجتماعی
۰/۸۰۹	۱۷		۰/۸۸۴	۸		۰/۶۴۲	۲	
۰/۶۵۹	۱۸		۰/۶۶۰	۹		۰/۶۹۲	۳	
۰/۶۶۲	۱۹		۰/۵۷۹	۱۰		۰/۶۶۴	۴	
۰/۸۵۶	۲۸	خط مشی های کارآمدی	۰/۷۵۲	۲۰	استعدادیابی دانش آموزان	۰/۹۱۹	۵	دانش مداری نیروی انسانی،
۰/۸۸۶	۳۰		۰/۹۰۰	۲۱		۰/۹۴۰	۶	
۰/۶۱۰	۳۱		۰/۷۳۲	۲۲		۰/۹۱۹	۲۵	
۰/۶۴۰	۳۲		۰/۵۴۹	۲۳		۰/۷۱۲	۱۱	
۰/۷۱۰	۳۳	عوامل ساختاری و مدیریتی	۰/۴۵۸	۲۴		۰/۷۳۱	۱۲	
۰/۸۵۶	۳۴		۰/۸۲۰	۲۵		۰/۶۰۰	۱۳	
۰/۸۵۵	۳۵		۰/۸۵۵	۲۷		۰/۶۱۷	۱۴	
۰/۸۰۹	۳۶		۰/۵۶۲	۳۸		۰/۶۲۴	۱۵	
۰/۷۱۷	۳۷		۰/۵۱۱	۳۹		۰/۶۶۵	۲۹	

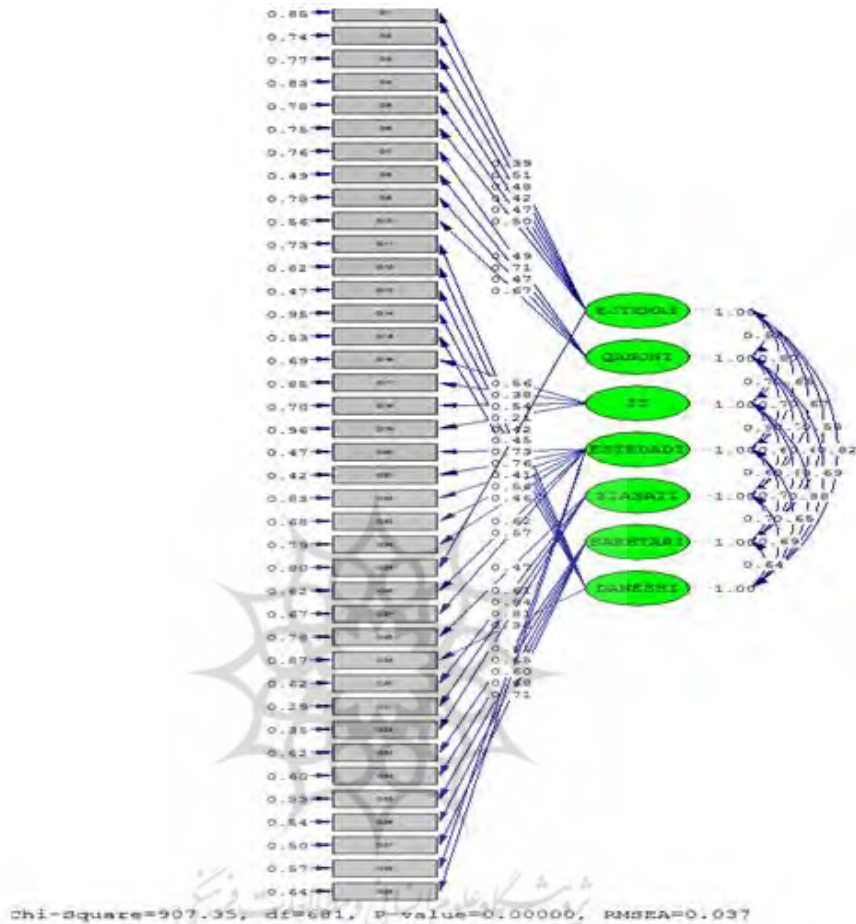


نمودار ۱. ابعاد و مولفه های مدل هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان

در ادامه جهت آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه نظری و سازه تجربی پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی^۱ استفاده شد. هدف از انجام تحلیل عاملی تأییدی بررسی میزان انطباق عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند با آنچه براساس مدل نظری مورد انتظار بود، است. در این پژوهش، برای انجام تحلیل عاملی تأییدی، داده‌های کمی جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه محقق ساخته، با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد تحلیل قرار گرفت و همه بارهای عاملی مربوط به سازه‌های مدل در سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد آزمون و معنا دار شدند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در نمودار ۲ و نمودار ۳ آمده است.

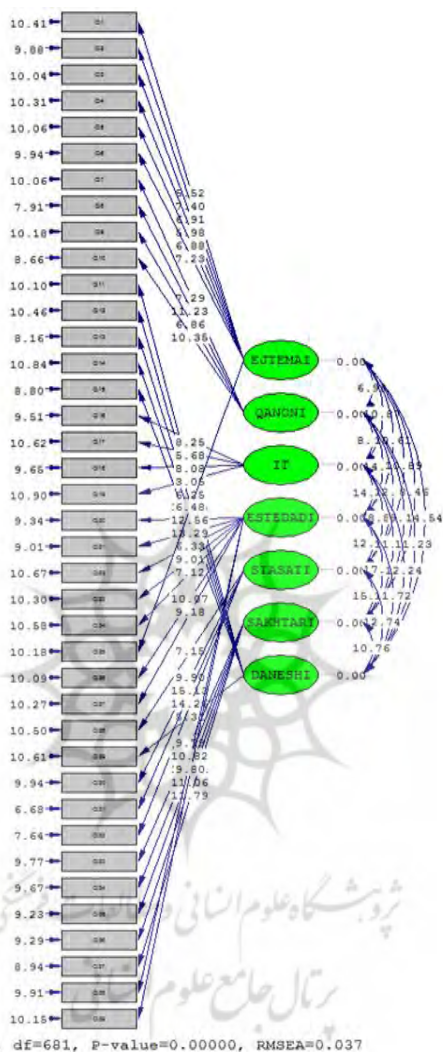


¹ Confirmatory factor analysis (CFA)



نمودار ۲. تحلیل عاملی تائیدی مدل نهایی در حالت استاندارد

در حالت تخمین استاندارد، بارهای عاملی نشان داده می شود، هر چه بار عاملی بزرگ تر و به عدد یک نزدیک تر باشد، به معنای این است که متغیر مشاهده شده (سوال) بهتر می تواند متغیر پنهان را تبیین کند. بار عاملی بین $0/3$ و $0/6$ قابل قبول و اگر بیشتر از $0/6$ باشد خیلی مطلوب است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تائیدی مدل نهایی در حالت استاندارد متغیرهای مشاهده شده در حد مطلوب متغیرهای پنهان را تبیین می کنند.



نمودار ۳. تحلیل عاملی تأییدی مدل نهایی در حالت معنی دار

در حالت معنی داری تحلیل عاملی تأییدی برای این که رابطه بین هر سوال و متغیر مورد نظر معنی دار باشد، ضریب مسیر در حالت معنی دار (ارزش t) باید بیشتر از $1/96$ باشد. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی در حالت معنی دار، ارزش t برای

تمامی سوال ها بیشتر از مقدار ۱/۹۶ بدست آمده است. در نتیجه رابطه بین سوال ها و متغیرهای مورد نظر معنی دار بوده و نشان دهنده این مطلب است که سوال ها تبیین کننده مناسبی برای متغیرهای مورد نظر هستند.

سوال ۲. درجه تناسب مدل ارائه شده چگونه است؟

پس از بررسی و تأیید الگوی اندازه گیری، برای آزمون فرضیه ها از مدل سازی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد. یکی از اهداف اصلی در استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری، شناخت میزان همخوانی بین داده های تجربی با مدل مفهومی و نظری است. برای شناخت میزان همخوانی داده های تجربی و مدل مفهومی از شاخص ها و معیارهایی استفاده می شود که به آن ها شاخص های نیکویی برازش می گویند. در جدول ۴ شاخص های کلی برازش مدل نهایی پژوهش حاضر ارائه شده است. نتایج حاصل نشان داد که نسبت χ^2/df دو به درجه آزادی (۱/۳۳) و سایر شاخص های نیکویی برازش مدل را مورد تأیید قرار دادند.

جدول ۴. برازش مدل نهایی

شاخص برازش								
GFI	RMR	IFI	CFI	NNFI	NFI	REM SEA	χ^2/df	
۰/۹۱	۰/۰۵۰	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۲	۰/۰۳۷	۱/۳۳	مدل نهایی
بیشتر از ۰/۹۰	نزدیک به صفر	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	کمتر از ۰/۰۵	کمتر از ۳	سطح قابل قبول

در این پژوهش برای بررسی نیکویی برازش مدل از شاخص های χ^2/df دو بهنجار، شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریبی^۱ (RMSEA)، شاخص هنجار شده برازندگی^۲ (NFI)، شاخص هنجار نشده برازندگی^۳ (NNFI)، شاخص برازندگی تطبیقی^۴

¹ Root Mean Square Error Of Approximation

² Normed Fit Index

³ Non-Normed Fit Index

⁴ Comparative Fit Index

(CFI)، شاخص برازندگی فزاینده^۱ (IFI)، شاخص ریشه دوم میانگین مجذور پس مانده ها^۲ (RMR)، شاخص نیکویی برازش^۳ (GFI) استفاده شد.

یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص‌های برازش شاخص‌های دو بهنجار است که از تقسیم مقدار χ^2 بر درجه آزادی مدل بدست می‌آید. چنانچه این مقدار کوچکتر از ۳ باشد مطلوب است. مقدار گزارش شده این شاخص برای مدل نهایی پژوهش در جدول ۴ عدد $1/33$ می‌باشد که نشان دهنده مطلوبیت و قابل قبول بودن مدل بر اساس این شاخص است. در این پژوهش، برای بررسی چگونگی برازندگی و صرفه جویی مدل، از شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریبی (RMSEA) استفاده شد. مقدار گزارش شده برای این شاخص در جدول شماره ۴ براساس تحلیل‌های انجام شده بوسیله نرم افزار لیزرل، عدد $0/37$ است. با توجه به اینکه مقدار این شاخص برای مدل‌های خوب کمتر از $0/05$ تعیین شده، لذا مدل نهایی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص ریشه دوم میانگین مجذور پس مانده ها (RMR) نشان دهنده تفاوت بین عناصر ماتریس مشاهده شده در گروه نمونه و عناصر ماتریس برآورد یا پیش بینی شده با فرض درست بودن مدل مورد نظر است. هرچه این شاخص به صفر نزدیک تر باشد نیکویی برازش مدل بالاتر است. در این پژوهش مقدار شاخص RMR عدد $0/50$ به دست آمد. شاخص نیکویی برازش (GFI)، که نشان دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس و کوواریانس‌ها است که توسط مدل تبیین می‌شود. این شاخص بین صفر تا یک متغیر بوده و هرچه به عدد یک نزدیک تر باشد، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است. مقدار گزارش شده برای این شاخص در مدل نهایی پژوهش عدد $0/91$ می‌باشد که نشان دهنده برازش مناسب مدل نهایی است.

برای بررسی این که یک مدل به خصوص در مقایسه با سایر مدل‌های ممکن، از لحاظ تبیین مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از مقادیر شاخص هنجار شده برازندگی (NFI)، شاخص هنجار نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، استفاده می‌گردد. در این پژوهش، با توجه به مقادیر به دست آمده برای این شاخص‌ها که همه بیشتر از سطح قابل قبول $0/90$ بودند،

1 Incremental Fit Index

2 Root Mean Square Residua

3 Goodness of Fit Index

لذا می توان عنوان کرد که مدل طراحی شده از برآزش بسیار مناسبی در مقایسه با سایر مدل های ممکن برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

در بخش کیفی پژوهش بر اساس اطلاعات استخراج شده از طریق ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان، کد انتخابی احساس نیاز در مقوله اصلی شرایط علی، کدهای انتخابی یاری فرهنگی، آینده نگری تحصیلی و شغلی، حقیقت مداری نظام آموزشی و جامعه اعتماد مدار در مقوله اصلی عوامل زمینه ساز، کدهای انتخابی فناوری های نوین، روابط بهینه، فراشناخت و دانش مداری در مقوله اصلی عوامل واسطه ای، کدهای انتخابی چتر شناختی و سبک یاددهی و یادگیری در مقوله عوامل اصلی، کدهای انتخابی برون سپاری، هم آوایی، کاربرد هوش مصنوعی و متناسب سازی بسترسازمانی در مقوله اصلی راهبردها و در آخر کد انتخابی توسعه میهنی در مقوله اصلی پیامدها، شناسایی و دسته بندی شد.

در بخش کمی پژوهش نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می دهد که، مدل هدایت تحصیلی کارآمد دانش آموزان دارای هفت بعد عوامل خانوادگی و اجتماعی، عوامل قانونی، دانش مداری نیروی انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، استعدادیابی دانش آموزان، خط مشی های کارآمدی و عوامل ساختاری و مدیریتی است. براساس نتایج حاصل از تحلیل داده های کمی، بعد استعدادیابی دانش آموزان دارای بیشترین تأثیر در مدل نهایی می باشد.

نتایج به دست آمده از انجام مصاحبه ها در بخش کیفی نشان داد که انجام اصلاحات در نظام هدایت تحصیلی، امری ضروری است. در بخش کمی پژوهش هم که با هدف تأیید و تبیین یافته های بخش کیفی انجام پذیرفت، این مطلب تأیید گردید. نیاز به انجام اصلاحات در نظام هدایت تحصیلی با یافته های گارسیا پرز و هیدالگو (Garcia-Perez & Hidalgo, 2017)، هیوز؛ لاو و میجرز (Hughes et al, 2017) و جانسون؛ روچیند و آوت (Johnson et al, 2010) مطابقت دارد. از دلایل نیاز به انجام اصلاحات می توان به عدم نگاه جامع و سیستمی به مقوله هدایت تحصیلی، عدم وجود دیدگاه تعاملی در رابطه با راهنمایی و هدایت تحصیلی با سایر برنامه های نظام آموزشی، عدم وجود مراکز تخصصی هدایت تحصیلی، نبود تشکیلات منسجم، مشکلات تامین نیروی انسانی ماهر، ضعف در هماهنگی و همراهی نظام آموزش و پرورش با دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، ناکافی بودن امکانات و ابزار استاندارد برای تحقق اهداف نظام هدایت تحصیلی، کمبود پژوهش های مرتبط با امر راهنمایی و هدایت تحصیلی، مشکلات موجود در ساختار آموزشی، توزیع نامناسب رشته ها، عدم تناسب

رشته های تحصیلی موجود با نیازهای بازار کار و عدم تخصیص و تامین منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای ارتقای کارآمدی نظام هدایت تحصیلی اشاره کرد.

مهم ترین عامل دستیابی به کارآمدی نظام هدایت تحصیلی، شناخت دانش آموزان در تمام ابعاد وجودی آن ها است. دستیابی به موفقیت در راهنمایی و هدایت تحصیلی و شغلی، نیازمند شناخت و آگاهی از ویژگی های شخصیتی، استعداد ها، توانمندی ها، محدودیت ها و علائق دانش آموزان است. نتایج تحلیل بخش کیفی و سپس نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد شناخت دانش آموزان در تمام ابعاد وجودیشان و به خصوص شناسایی استعدادهای آنان قدم اول در دستیابی به کارآمدی نظام هدایت تحصیلی می باشد. نتایج به دست آمده در این زمینه با یافته های نویدی (Navidi, 2018)، سوباسینگه (Subasinghe, 2016) و گرگات (Ghergut, 2014) مطابقت دارد.

در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت های صورت گرفته در بخش های مختلف علم، صنعت و فناوری های نوین و همچنین تغییرات صورت گرفته در زمینه تامین نیروی کار، صنایع و بازار کار در جستجوی نیروی کار دانش مدار با مهارت های چندگانه و ارزان قیمت هستند. لذا آشنایی و شناخت فرصت های شغلی و درک سیستم های بازار کار و توجه به نیاز های آینده بازار کار از اولویت های نظام هدایت تحصیلی است. دلیل این امر، هدف نهایی راهنمایی و هدایت تحصیلی می باشد که به دنبال هموارسازی مسیر تربیت نیروی انسانی کارا است. در بخش کیفی پژوهش بر شناخت بازار کار و آشنایی با فرصت های شغلی پیش رو تاکید شد. نتایج حاصل از تحلیل بخش کمی پژوهش هم این موضوع را تأیید کرد. این نتایج با یافته های هیوز؛ لاو و میجرز (Hughes et al, 2017)، تووی و بیچ-لون (Thuy Van & Bich Loan, 2016)، کریشان، پاول و گیمبالات (Crisan et al, 2015) و تورن اوغلو و گنج تانریم (Torunoglu & Genctanirim, 2015) همخوانی داشت.

یافته های مطالعات کتابخانه ای و تحلیل داده های جمع آوری شده از انجام مصاحبه های انفرادی در بخش کیفی نشان داد مهم ترین نقش در نظام هدایت تحصیلی بر عهده مشاوران بوده و سطح دانش و مهارت های آنها در دستیابی به اهداف نظام هدایت تحصیلی تعیین کننده می باشد. توانمندی مشاور در برقراری ارتباط صحیح و ایجاد بستر مناسب برای گفتمان در مدرسه، زمینه ساز دستیابی به موفقیت در راهنمایی تحصیلی است. یافته های بخش کیفی نشان داد مشاوران از سطح دانشی و مهارتی متوسطی در زمینه شغلی خود برخوردار هستند و نیازمند یادگیری به صورت مستمر جهت ارتقای دانش و مهارت های خود هستند. در ادامه، یافته های بخش کمی پژوهش نیز، نیازمندی مشاوران به یادگیری به

صورت مستمر و پیوسته را مورد تأیید قرار داد. یافته های نویدی (Navidi, 2018) و دمیر و جان (Demir & Can, 2015) این نتایج را تأیید می کند.

تجربه عملی دانش آموزان در محیط کار واقعی، علاوه بر این که به دانش آموزان فرصت آشنایی با ویژگی های مشاغل گوناگون را می دهد، امکان تبادل نظر و گفت و گو با افراد شاغل در آن محیط را نیز فراهم می کند، که این امر موجب ایجاد یک نوع آگاهی و شناخت یاری گر در دانش آموزان شده و آنان را در انتخاب مسیر درست تحصیلی و شغلی، با توجه به علایق، استعدادها و توانایی هایشان کمک خواهد کرد. نتایج حاصل از پژوهش در بخش کیفی نشان داد، برای دستیابی به مدلی از نظام هدایت تحصیلی که کارآیی لازم در تامین نیروی انسانی ماهر برای بازار کار را داشته باشد، نیازمند ایجاد بستر مناسب در ساختار آموزشی می باشیم. یافته های نویدی (Navidi, 2018) این نتایج را تأیید کرد.

راهنمایی و هدایت تحصیلی به واسطه شناسایی و پرورش استعدادها و مهارت های فرد، نقش مهمی در انتخاب مسیر صحیح تحصیلی و شغلی دانش آموزان ایفا می کند. اجرای درست هدایت تحصیلی موجب تعالی نظام آموزشی و افزایش بازدهی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خواهد شد. نتایج پژوهش نشان داد که اقتصاد پویا، اشتغال پایدار، افزایش بازدهی و بهره وری بالا، سلامت روانی، آماده سازی نیروی انسانی ماهر و توسعه کشور، حاصل هدایت تحصیلی صحیح است. نتایج حاصل از پژوهش با یافته های کاروالو و همکاران سوباسینگه (Subasinghe, 2016)، تووی و بیچ-لون (Thuy Van & Carvalho et al, 2014) و میهایلا و کریستینا (Mihaela & Cristina, 2015) و (Bich Loan, 2016) مطابقت دارد.

نتایج پژوهش نشان داد، برای دستیابی به نظام هدایت تحصیلی کارآمد، انجام پژوهش های مستمر و همکاری های مطالعاتی با مراکز علمی به طور ویژه باید مد نظر قرار گیرد. در این راستا مطالعه رویکردهای نوین در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی، مطالعه مدل هدایت تحصیلی نظام های آموزشی پیشرو، مطالعه مدل استعدادیابی در نظام های آموزشی موفق، همکاری های مطالعاتی با مراکز علمی و دانشگاهی و ارائه یافته های مطالعات به دست اندرکاران نظام هدایت تحصیلی باید در صدر اولویت های نظام آموزشی کشور قرار گیرد. این یافته با نتایج حاصل از مطالعات نویدی (Navidi, 2018) همخوانی دارد.

براساس نتایج حاصل از تحلیل داده های کیفی و کمی پژوهش، راهبردهایی برای دستیابی به مدل کارآمد هدایت تحصیلی تعیین گردید که می توان به بهره مندی از ظرفیت تجربی بازنشستگان، برون سپاری فعالیت های راهنمایی و هدایت تحصیلی، ایجاد بستر مناسب جهت تحصیل رایگان برای همه افراد در همه مناطق کشور، تامین مالی معلمان و مشاوران،

استاندارد سازی نسبت معلم به تعداد دانش آموزان در کلاس درس، استاندارد سازی نسبت مشاور به تعداد دانش آموزان و فراهم سازی امکان حضور مشاور در تمامی دوره های تحصیلی اشاره کرد.

سپاسگزاری

نویسندگان از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همکاری داشته و یاری رسانده اند، تقدیر و تشکر می کنند.



References

- Bazargan, A. (2015). An introduction to qualitative and mixed methods research. Tehran: Didar. (in Persian)
- Bryman, A. (2007). Barriers to integrating Qualitative and Quantitative Research. *Journal of Mixed Method Research*, 11(1), pp 8-22.
- Carvalho, C., Martines, D., Santana, L., Feliciano, L. (2014). Teacher Feedback: Educational Guidance in Different School Contexts. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2014(159), pp 219-223.
- Charmaz, K. (2000). Grounded theory: objectivist and constructivist methods. in Denzin NK & Lincoln Ys (eds) *Handbook of Qualitative Research*. Second edition. Sage publications.
- Crisan, C., Pavelea, A., Ghimbulut, O. (2015). A Need Assessment on Students Career Guidance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2015(180), pp 1022-1029.
- Demir, M., Can, O. (2015). Counseling and Guidance Understandings of Guidance Teachers and Their Attitudes Towards Counseling and Guidance. *Education and Sciences*, 40(179), pp 307-322.
- Garcia-Perez, J., Hidalgo, M. (2017). No student left behind? Evidence from the Programme for School Guidance in Spain. [Economics of Education Review](#), 60, pp 97-111.
- Ghergut, A. (2014). Aspects Related to the Educational and Vocational Guidance of Intellectually Impaired Students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2014(114), pp 116-120.
- Holloway, I., Wheeler, S. (2010). *Qualitative research in nursing and healthcare*. 3rd ed. Chichester, West Sussex, U.K. Ames, Iowa: Wiley-Blackwell.
- Hughes, D., Law, B., Meijers, F. (2017). New school for the old school: career guidance and counselling in education. *British Journal of Guidance & Counselling*, 45(2), pp 133-137.

- Johnson, J., Rochkind, J., Ott, A. (2010). Special Topic/Why Guidance Counseling Needs to Change. *Educational Leadership*, 67(7), pp 74-79.
- Johnson, R. B., Onwuegbuzie, A. J. (2004). Mixed Methods Research Paradigm Whose Time Has Come. *Educational Researcher*, 33(7), pp 14-26.
- Mihaela, N., Cristina, I. (2015). A Research On The Educational Counseling and Career Guidance In Romania. *European Scientific Journal*, 2, pp 28-33.
- Navidi, A. (2018). Academic Guidance in Iranian Educational System: Practical Experiences and Lasting Challenges. *QJOE*, 34(1), pp 9-34. (in Persian)
- Nazari, E., Mohamadi, F., Hatami, H. (2010). Some Guidelines to Guide First Grade High School Students of Sirjan in Selecting their Educational andl, *New approaches in educational management*, 1(3), pp117-130. (in Persian)
- Razavi, S.M., Akbari, M., Jafarzadeh, M., Reza Zali, M. (2013). Reviewing of Mixed Method Research. Tehran: publication of the Tehran University. (in Persian)
- Subasinghe, W. (2016). An Introduction on Educational Guidance and school Counseling. *International Journal of Scientific Research and Innovative Technology*, 3(10), pp 10-18.
- Thuy Van, N., Bich Loan, D. (2016). Career Guidance in Secondary Schools—A Literature Review and Strategic Solutions for Vietnamese Rural Areas. *Jornal of Educational Studies*, 2(3), pp 10-17.
- Torunoglu, H., Gencanirim, D. (2015). The perceptions of school counselors about the counseling and guidance programs of vocational high schools. *Procedia—Social and Behavioral Sciences*, 2015(174), pp 368-376.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی